

آرتور شوپنهاور

# جهان همچون اراده و تصور

ترجمه از آلمانی به انگلیسی

ای. اف. جی. پین

ترجمه از انگلیسی به فارسی رضاولی یاری



## فهرست

٦	یادداشت مترجم
١	یادداشت ناشر
٣	مقدمه‌ی مترجم انگلیسی
٩	دبیاچه‌ی ویراست نخست
١٤	دبیاچه‌ی ویراست دوم
٢٣	دبیاچه‌ی ویراست سوم

### جلد اول

٢٧	دفتر اول	جهان همچون تصور: منظر اول
١١٣	دفتر دوم	جهان همچون اراده: منظر اول
١٧٩	دفتر سوم	جهان همچون تصور: منظر دوم
٢٧١	دفتر چهارم	جهان همچون اراده: منظر دوم
٤٠٣	ضمیمه	نقد فلسفه‌ی کانتی

جلد دوم

۵۱۱	.....	ضمایم دفتر اول از جلد اول / نیمه‌ی اول	دفتر اول
۵۵۹	.....	ضمایم دفتر اول از جلد اول / نیمه‌ی دوم	ضمایم دفتر اول
۶۷۵	.....	ضمایم دفتر دوم از جلد اول	دفتر دوم
۸۲۷	.....	ضمایم دفتر سوم از جلد اول	دفتر سوم
۹۱۳	.....	ضمایم دفتر چهارم از جلد اول	دفتر چهارم
۱۰۷۶	.....		واژه‌نامه
۱۰۷۹	.....		نمایه

یادداشت مترجم

باید اذعان کنم ایده‌ی ترجمه‌ی اثر اصلی شوپنهاور دام و سوسه‌انگیزی بود و قریب به دو سال کار دشوار و بی‌وقفه بر این کتاب بیستون پیکر موجب چنان فرسایشی در جسم و جان من شده که اکنون حتی نوشتن این سطور نیز برایم قدری دشوار است.

شاید جهان همچون اراده و تصور می‌بایست خیلی پیش از این‌ها ترجمه می‌شد اما اکنون که این ترجمه در دسترس اهل فلسفه و خوانندگان علاقه‌مند قرار گرفته، امیدوارم زمینه و فرصتی به وجود آورد برای مطالعه و تحقیق گسترده‌تر در آرای این فیلسوف و نیز بازخوانی آثار فیلسوفی که بیشترین تأثیر را بر شوپنهاور داشته، یعنی کانت، و همچنین فیلسوفی که شوپنهاور بیشترین تأثیر را بر او داشته، یعنی نیچه.

خاتمه‌ی سخن، می‌خواهم از پیام یزدانجو صمیمانه تشکر و قدردانی کنم که زحمت و پیرایش و مقابله‌ی متن حاضر با متن اصلی را بر عهده گرفت، و همچنین نشرمرکز که بدون تلاش و مساعدت ایشان ترجمه و انتشار این کتاب به صورتی که اکنون مشاهده می‌کنید هرگز برای من میسر نمی‌بود.

## یادداشت ناشر

آرتور شوپنهاور (۱۸۶۰-۱۷۸۸)، فیلسوف بلندآوازه‌ی آلمانی، برای فارسی‌زبانان ناشناخته نیست. با این حال، و با وجود ترجمه‌ها و تألیفاتی از و در باب آثار و آرای این فیلسوف، به نظر می‌رسد در نبود ترجمه‌هایی از آثار اصلی‌اش به زبان ما، شناخت ایرانیان از او بیشتر به معنای آشنایی اجمالی با برخی از ایده‌های وی بوده، ایده‌هایی در باب تاریخ تفکر، طبیعت بیرونی و طبیعت بشری، جهان‌اراده ... و در کل عمومیتی از این دست - که آن هم عمدتاً از طریق تذکارها یا تأثیرپذیری‌های دیگر متفکران، به‌ویژه نیچه، مطرح بوده. اکنون که، با گذشت نزدیک به دو قرن از انتشار اولین ویراست **جهان همچون اراده و تصور**، مطرح‌ترین اثر شوپنهاور، ترجمه‌ی فارسی آن در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد، امید می‌رود این مجال برای فهم بهتر و بیشتر آرای او از راه مواجهه‌ای مستقیم با مهم‌ترین متن‌اش باشد.

گفتن ندارد که، همچون هر متفکر دیگر، شوپنهاور هم از منظر زمان و مکان خود به تفکر می‌پرداخت و از این رو کم و بیش زندگی در زمانه‌ی خود را در اندیشه‌ورزی‌اش به نمایش می‌گذاشت. اما، گذشته از محتوای محدود و شاید منسوخ برخی ملاحظات علمی یا عقیدتی، بی‌گمان بسیاری از باورهای بنیادین‌اش، به‌ویژه به‌عنوان مکتوباتی در یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ تفکر، همچنان در خور اعتنا و شایان تأمل می‌نماید. از این رو، از خواننده انتظار می‌رود با دقت و جدیتی که نویسنده خود در جای‌جای کتاب‌اش از آن سخن گفته با این متن مرجع مواجه شده، متن را همواره در بستر تاریخی و فرامتنی آن فهم کند.

**جهان همچون اراده و تصور** بر اساس ترجمه‌ی انگلیسی اثر، که از روی آخرین ویراست آلمانی انجام گرفته، به فارسی درآمده. فرض عام این است که، ترجمه‌ی هر اثر از زبان اصلی بهتر می‌تواند مترجم را به درک و انتقال نکات دشوار و ناهموار نایل کند، دستاوردهایی که در ترجمه‌های مبتنی بر زبان غیراصولی احتمالاً از کف می‌رود؛ با این حال، و در این مورد خاص، به نظر می‌رسد مبنا قرار دادن ترجمه‌ی انگلیسی تا حدودی توانسته باشد آن معایب مفروض را با مزایای مکمل جبران کند، مزایایی که مهم‌ترین‌شان البته تشریح و تفسیر مشکلات متنی و توضیح و ترجمه‌ی انبوه عبارات و

اصطلاحات غیرآلمانی است که مؤلف در متن خود آورده - این گره‌گشایی‌ها، در راستای درک دقیق اثر، برای مترجم فارسی و در نتیجه مخاطب او اهمیتی حیاتی دارد.

با این حال، از هر منظر و با هر تجربه‌ای، ترجمه‌ی اثری در این حجم و هیبت، که نویسنده در آن به هفت زبان آلمانی، یونانی، لاتین، فرانسه، انگلیسی، ایتالیایی، و اسپانیایی ادای مطلب کرده، نمی‌تواند ابتدا به ساکن عاری از اشکال انگاشته شود؛ از این رو، تحریریه‌ی نشر مرکز تلاش خود را به برطرف کردن اشکالات و ارائه‌ی متنی منقح معطوف کرده، ترجمه را ویرایش کرده و با مقابله‌ی کامل متن توضیحاتی افزون بر آنچه مترجم آورده به متن افزوده است (پانوشته‌های مترجم انگلیسی با علامت م.ا، پانوشته‌های مترجم فارسی با علامت م.، و پانوشته‌های ویراستار با علامت و. مشخص شده، پانوشته‌های نویسنده هم طبعاً بدون علامت آمده‌اند). با این همه، بدیهی است که، ویرایش متن فارسی مقید به انجام اصلاحات معنایی و مفهومی و برطرف کردن کاستی‌های صوری آن بوده، نوع نثر و بیان همچنان از آن مترجم است.

نشر مرکز

### مقدمه‌ی مترجم انگلیسی

آرتور شوپنهاور به سال ۱۷۸۸ در دانتریگ دیده به جهان گشود. پدرش بازرگانی موفق و بسیار مستقل با تمایلات فرهنگی گسترده، و مادرش زنی با توانایی‌های فکری قابل ملاحظه و از نویسندگان بنام روزگار خود بود. پسر در همان کودکی خصوصیات ذهنی چشم‌گیری از خود نشان داد، و به‌زودی به مطالعه‌ی متمرکز و مستمر ادبیات باستان، علوم تجربی، و فلسفه، در دانشگاه‌های گوتینگن و برلین، رو آورد. در ۱۸۱۳ نخستین کتاب خود، یعنی *در باب ریشه‌ی چهارگان اصل دلیل کافی* را به رشته‌ی تحریر درآورد که نظریه‌ی موجود در آن مدرک دکترای فلسفه‌ی دانشگاه ینا را برای او به ارمغان آورد، و وی در آن به شرح معرفت‌شناسی خود پرداخته، که بر آموزه‌ی کانتی ایدئالیته‌ی زمان، مکان، و مقولات استوار بود.

شوپنهاور از ۱۸۱۴ تا ۱۸۱۸ را در درسدن گذراند، یعنی جایی که نبوغ خلاق وی به بار نشست و اثری فلسفی پدید آورد که به دلیل عمق و وسعت اندیشه و نیز به‌خاطر وضوح و درخشندگی سبک‌اش، برای مردی به آن جوانی، دستاوردی بی‌نظیر به حساب می‌آمد. جالب این که وی، در خلال چهل سال بعدی که پس از انتشار کتاب‌اش زنده بود، هرگز لازم ندید ایده‌ی بنیادین این اثر را اصلاح یا به نحوی دیگر مطرح کند. او نیز همچون افلاطون عمیقاً تحت تأثیر حیرتی بود که آدمیان را وادار به فلسفیدن می‌کند؛ وی به‌طور غریزی جهان را با چشم عینی متفکری به‌راستی اصیل می‌نگریست. در جوانی شروع به یادداشت‌برداری‌هایی کرد که همواره در طول عمر خود ایده‌هایی را که به ذهن‌اش می‌رسید در آن‌ها ثبت می‌کرد. از این رو، تمامی این یادداشت‌ها از برداشت بنیادین اصیلی بر می‌آمدند که کل ساختار فلسفی وی حول آن بنا شده بود.

در ۱۸۴۴ ویراست دومی از این اثر بزرگ در دو جلد انتشار یافت، که جلد اول آن در واقع چاپ مجدد ویراست نخست ۱۸۱۹ بود، حال آن که جلد دوم، حاوی پنجاه فصل، مباحث تکمیلی در مورد جلد اول بود. وسعت دایرة‌المعارف‌وار این مجلد الحاقی نشان از عمق و پختگی اندیشه‌ی شوپنهاور دارد، و آن را به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار در سرتاسر قلمرو ادبیات فلسفی متمایز می‌سازد. این ویراست دوم نیز همچون ویراست اول با کم‌توجهی و حتی بی‌توجهی محافل علمی روبه‌رو شد،